

A background image showing a hand holding a red and green ribbon, symbolizing unity or a specific cause.

عنوان مقاله :

ضرورت همبستگی در برابر تجاوز خارجی

« وفاق ملی »

نویسنده:

محمود رشنواز

**دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه
آزاد اسلامی ، دبی، امارات**

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه)

۱۴۰۴/۰۹/۱۶

فهرست مطالب

۳		ضرورت همبستگی در برابر تجاوز خارجی
۶		بخش اول: تشریح وضعیت تقابلی ایران با امریکا و اسرائیل
۶		۱-خطر تجزیه
۷		۲-تجاوز از نوع جنگ ترکیبی
۸		۳-فشارهای اقتصادی
۸		۴-شکست دکترین سازش
۱۰		۵-اندیشه های سلطه طلبانه امریکا
۱۲		۶-ایران چالشی بزرگ برای هژمونی آمریکا
۱۳		۷-سیاست های دوگانه امریکا در قبال ایران
۱۴		بخش دوم: راهکارهای افزایش همبستگی در برابر تجاوز به وطن
۱۴		۱-مفهوم همبستگی در برابر تجاوز خارجی
۱۵		الف- همبستگی در آموزه های اسلامی
۱۵		ب- همبستگی در اندیشه های رهبر انقلاب اسلامی
۱۵		ج- نمونه های تاریخی موفق همبستگی در تاریخ ایران در برابر تجاوز بیگانگان
۱۶		د- همبستگی از منظر اندیشمندان
۱۷		۲- راهکارهای مبتنی بر همبستگی در مقابله با تجاوز خارجی
۱۸		منابع و مآخذ
۱۸		منابع فارسی
۱۹		سایت های اینترنتی
۲۰		منابع خارجی

ضرورت همبستگی در برابر تجاوز خارجی « وفاق ملی »

چکیده

پایداری، عزت، امنیت و آرامش در جوامع انسانی از مهم‌ترین دستاوردهای تمدن بزرگ بشری بوده است؛ حاکمیت - ها در تلاش برای کسب این مولفه‌ها، در تقابل با تهدیدات داخلی و خارجی، با اتخاذ تدابیر دیپلماتیک، نظامی، اقتصادی و ... سعی در برپایی تمدنی بزرگ داشته‌اند. نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی این مولفه‌ها و آرمان‌های متعالی‌تر، پای به عرصه نهاد و در این بین شاید مهم‌ترین مانع برای او، تهدیدات خارجی و هژمونی است که در راس آن آمریکا با اندیشه‌های سلطه‌طلبانه‌ی خود آن را رهبری می‌کند. راهبردهای این کشور در قبال ایران در سال‌های بعد از انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، دارای نموده‌های مختلفی بوده است که البته همگی هدفی مشترک را دنبال می‌کردند، سلطه طلبان چیزی جز تسلط نمی‌خواهند. در این میان، نظام جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر رهبری مقتدر و برخورداری از پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی خود، بارها ایستادگی خود را اثبات کرده است. دوام و پیشرفت تمدن ایرانی - اسلامی محقق نخواهد شد مگر با تکیه بر دو اصل مهم: ۱- وفاق و همبستگی در برابر تهدیدات و تجاوزات خارجی ۲- تقویت قدرت نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.

توسل به این اصول منتج به ایجاد کشور و حاکمیتی نفوذناپذیر خواهد شد که توانایی دفع هرگونه تهدیدی را خواهد داشت. احتمال درگیری نظامی در هر تقابل و تعارضی وجود دارد، پیش‌بینی‌های سیاسی و ژورنالیستی از وقوع یا عدم وقوع جنگ، راهکاری برای برون رفت از چالش پیش رو نیست. تقویت قدرت بازدارندگی از طریق بهره‌گیری از ابزارهای مشروع نظامی و غیرنظامی، مهم‌ترین راهبرد در مقابله با دشمن است که می‌تواند پیشگیری از تقابل نظامی را محقق سازد و در صورت وقوع هرگونه حمله و تجاوز، دفاعی متناسب ارائه نماید.



نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای که به اتکا بر توان داخلی و پشتوانه‌ی فرهنگی و تاریخی خود، در این رتبه قرار گرفته است، الگویی برای ایستادگی در برابر سلطه‌طلبی، جهانی سازی آمریکائی و بنیادگرایی دینی محسوب می‌شود. اهداف و آرمان‌های این تمدن اصیل که برگرفته از موازین اسلامی و اندیشه‌های تاریخی کهن تحقق یافته است را می‌توان به عنوان یکی از خاص‌ترین موارد در بین کشورهای دنیا قلمداد نمود. ملتی که علی رغم تنوع قومیتی و فرهنگی به جهت وسعت جغرافیایی و تغییرات تاریخی همچنان واحد است و با تکیه بر نام ایران، برای خود هویتی بزرگ قائل است. این الگوی تمدنی بی‌نظیر مواجه با مانعی بزرگ است که ناشی از تفکر و توهم کدخدایی دهکده‌ی جهانی توسط آمریکا است. این اندیشه که البته مبتنی بر دلایل سیاسی، اقتصادی و حقوقی متنوعی بنیان گذاشته شده است، موجب اتخاذ راهبردهای خصمانه‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته شده است.

در کلام نویسندگان رشته‌های روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل، روانشناسی، جامعه شناسی و سیاسیون، کمتر به چشم می‌خورد در تحلیلی علمی و دقیق، رفتار آمریکا با ایران را مبتنی بر انصاف و عدالت ارزیابی کرده باشند. این رفتار که با عناوینی چون استراتژی، راهبرد و ... در نوشته‌های مختلف به چشم می‌خورد، در سال‌های اخیر با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است که ناشی از تحولات سیاسی داخلی آمریکا می‌باشد که البته از مسیر اصلی فاصله نگرفته و در جهت همان تئوری جهانی سازی و تسلط پیش‌رفته است.

اقدامات آمریکا در ادوار مختلف علیه ج.ا.ایران با راهبردهای مختلف صورت گرفته است. این تغییر در تاکتیک‌ها به جهت شکست‌هایی بوده است که دولت آمریکا در قبال ایران متحمل شده است. شکست به معنای هزیمت و نابودی را مدنظر نداریم، زمانی که بزرگترین مدعی قدرت در رسیدن به اهداف خود ناکام است و در مقابل نظامی نوپا قادر به عرض اندام نیست می‌توان از شکست یاد کرد. تهاجم، ایجاد رعب و وحشت، تهدید به اشکال گوناگون و هر آنچه که می‌توان از آن با عنوان توسل به زور یاد کرد، در این تئوری‌ها قابل مشاهده است. در قدم اول هدف آمریکا ایجاد تمایل در ایران برای سازش است و مسلماً در گام بعدی هدفی جز نابودی این تمدن را ندارد. فی‌الحال در قدم اول متوقف شده و اندیشیدن به گام‌های بعدی برای او امکان‌پذیر نیست. بسیار ساده‌لوحانه است که بپذیریم دشمنان این سرزمین به سرکردگی آمریکا و اسرائیل، صرفاً در تقابل با حکومت جمهوری اسلامی ایران هستند و با تحقق هدف براندازی، این خصومت‌ها پایان خواهد پذیرفت، ایران در تمامیت خود هدف آمریکا و نیروی نیابتی او در خاورمیانه یعنی اسرائیل است.

مصادیق مثبت این تفکر در رویارویی ایران با آمریکا را می‌توان در چهل سال گذشته شاهد بود از حمله به طبس، همراهی با رژیم بعث عراق در تجاوز نظامی به ایران، بهره‌گیری از تحریم‌های اقتصادی، همراهی آمریکا با رژیم صهیونیستی در ترور دانشمندان هسته‌ای ج.ا.ایران اشاره کرد. در ادامه این خصومت‌ها و تجاوزات آشکار به حقوق ملت ایران، دولت ترامپ با شهادت رساندن ژنرال عالی رتبه نظامی ج.ا.ایران به دنبال تقویت سیاست و کمپین فشار حداکثری علیه ج.ا.ایران بود. تحلیل این ترور شاید در مضیق‌ترین شکل خود صرفاً حذف یکی از سران نظامی و پایه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران باشد ولی به نظر نویسنده، نقطه‌ی شروع سنگینی در تجاوز و شروع جنگ علیه ایران محسوب می‌شود، آمریکا به دنبال آزمون ایران در دفاع از خود بود و البته که گزینه‌های دیگری نیز می‌توانست داشته باشد. به نظر می‌رسد راهبردهای آمریکا چنانکه رهبران آن بارها گفته‌اند به گزینه‌ی نظامی رسیده است و این موضوع در جنگ ۱۲ روزه به اثبات رسید، فلذا واکنش‌ها و البته کنش‌های ایران باید متناسب باشد.

برخی معتقدند بهترین دفاع حمله است؛ ایران باید اقدام به وارد کردن اولین ضربه نماید، زدن این ضربه از نظر این گروه امتیازی بزرگ محسوب می‌شود که ضروری است علاوه بر ایران در منطقه توسط سایر کشورها نیز اتخاذ

گردد. این شیوه از دفاع مبتنی بر خودیاری بوده و منتج به موازهی قدرت خواهد شد.^۱ به نظر می‌رسد این تئوری متفاوت از تئوری جنگ‌طلبی باشد و حتی متفاوت از دفاع پیش‌دستانه‌ای است که دستاویز آمریکا و اسرائیل در لوایح حقوقی آن‌ها قرار گرفته است. در بدیهی بودن نیاز به ایجاد موازنه‌ی قدرت تردیدی نمی‌توان داشت. عمدتاً در طول تاریخ معاصر و حتی کهن بشری موازنه‌ی قدرت عامل ثبات نسبی محسوب می‌شده است و دوران جنگ سرد به عنوان شاخص آن قابل استناد است.

در این مقاله ما در پی ارائه‌ی تصویری واقعی از وضعیت تقابلی ایران و آمریکا و اسرائیل هستیم؛ تشریح این وضعیت می‌تواند منجر به ارائه‌ی راهکارهایی عملی و ایدئولوژی خاص در روابط جهانی باشد. به عبارت دیگر، توصیف واقع‌گرایانه از وضعیت موجود و معرفی به دور از غرض‌ورزی راهبرد آمریکا در قبال ایران، می‌تواند پیش‌بینی‌های نزدیک‌تر به واقعیتی را برای ما فراهم آورد. آنچه مسلم است اینکه ما با یکی از پیچیده‌ترین و مدرن‌ترین استراتژی‌های جنگی و تهاجمی مواجه هستیم. اظهارنظر در این وادی صرفاً با در اختیار داشتن داده‌های واقعی، تحلیل درست وقایع و استفاده از روش علمی امکان‌پذیر است. نیاز به یک پژوهش همه‌جانبه داریم و در نهایت اجرای راهکارها که باید مبتنی بر وفاق و همبستگی ملی باشد که جز این راهکار کلی در دست نیست.

استراتژی ایران در قبال آمریکا و اسرائیل را باید به دو دوره تقسیم کرد، دوران قبل از جنگ ۱۲ روزه ۱۴۰۴ و دوران بعد از جنگ؛ این جنگ نشان داد برخی از نظریات متکی بر صرف دیپلماسی، سازش و از این قبیل در مقابل این مدعی قدرت چندان منطبق با واقع نبوده است؛ چنانکه پیش از جنگ ۱۲ روزه برخی معتقد بودند: «قدرت موشکی، استفاده از نیروهای نیابتی و گروه‌های مقاومت شیعی، بهره‌برداری از استراتژی جنگهای نامتقارن، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ج.ا.ایران، قدرت معنوی و روحیه دشمن‌ستیزی و در نهایت دیپلماسی دوستی با کشورهای منطقه، از عواملی هستند که امکان به کارگیری استراتژی تقابل مستقیم نظامی آمریکا در مقابل ج.ا.ایران را با شکست مواجه کرده است»^۲. این تحلیل‌ها و البته هزاران پیش‌بینی دیگر که مشخصاً مبتنی بر اظهارنظرهای دیپلماتیک بوده است، موجب توجه آمریکا و اسرائیل به اصل غافل‌گیری در حمله‌ی نظامی ۱۲ روزه شد. هر چند غافل‌گیری از منظر برخی از نظامیان و نخبگان امنیتی محقق نشده بود ولی به نظر می‌رسد وقتی در میانه‌ی مذاکرات و برخی از حوادث سیاسی، رخداد تجاوز مستقیم اتفاق می‌افتد، چیزی جز غافل‌گیری بر آن نمی‌توان بار کرد.

تهدیدات خارجی علیه ایران توسط آمریکا و اسرائیل با خط‌مشی‌های یکسان و البته با روش‌های مختلف در آینده رخ خواهد داد؛ پیش‌بینی وقوع جنگ یا عدم وقوع آن، نتیجه‌ای عملی برای ایران ندارد؛ نگرانی اسرائیل و آمریکا برای تمدن ایرانی جدی است؛ دلایل خصومت اسرائیل با ایران به جهت آن است که اسرائیل نگران حضور یک نیروی هسته‌ایست که قادر به توسعه و در نهایت داشتن سلاح‌های هسته‌ای و بالستیک است که امنیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد. بازدارندگی از توانایی‌های هسته‌ای ایران به یک اولویت تبدیل شده است و الگوی توازن قوا دیگر امنیت اسرائیل را حفظ نخواهد کرد.^۳

۱ - قادری کنگاوری، روح الله. (۱۴۰۲). جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره؛ از دیپلماسی اجبار تا بازدارندگی اطلاعاتی. مطالعات راهبردی آمریکا، ۲ (۴)، صص ۴۷-۱۱. doi: ۱۰.۲۷۸۳۴۷۴۳/ASS.۲۳۰۶.۱۱۶۴.۱

۲ - غفاری، علی اصغر؛ خداوری، حسن؛ و کشیشان، گارینه (۱۴۰۰) نقش ج.ا.ایران در بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بعد از ۱۱ سپتامبر، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۷ (۵۶)، ص ۴۰.

۳ - Maher, Nora, (۲۰۲۰), "Balancing deterrence: Iran-Israel relations in a turbulent Middle East", Review of Economics and Political Science Vol. ۸ No. ۳, ۲۰۲۳ pp. ۲۲۶-۲۴۵ Emerald Publishing Limited e-ISSN: ۲۶۳۱-۳۵۶۱ p- ISSN: ۲۳۵۶-۹۹۸۰ DOI ۱۰.۱۱۰۸/REPS-۰۶-۲۰۱۹-۰۰۸۵. P ۲۳۲.

حال که وجود دو دشمن اصلی و البته قدرتمند که مانعی بزرگ برای توسعه تمدن ایرانی است آشکارا پای به میدان گذاشته است و از پس نشست‌های دیپلماتیک بی نتیجه به صحنه‌ی جنگ وارد شده‌اند باید راهکاری اساسی برای دفع آن اندیشید، راهکاری البته بازدارنده و نه صرفاً تدافعی، حمله‌ای پیش‌دستانه نسبت به تمامی اندیشه‌های تجاوزکارانه. ایجاد موازنه‌ی قدرت در منطقه به نفع ایران می‌تواند بهترین راهکار در این حوزه قلمداد شود. راهکاری که مانع بزرگی در مسیر صلح و آرامش خواهد بود. در این مقابله ما در دو بخش ابتدائاً وضعیت موجود را بر اساسی تئوری‌های ارائه شده تشریح خواهیم کرد و در ادامه با ارائه‌ی راهکارهای عملی در پی ایجاد یک آرامش روانی با ثبات در جامعه خواهیم بود که با وجود تهدیدات خارجی استوار خواهد شد.

بخش اول: تشریح وضعیت تقابلی ایران با امریکا و اسرائیل

داده‌های ما از وضعیت تقابلی ایران و امریکا مبتنی بر مشاهدات و برخی از تحلیل‌هایی است که ارائه می‌شود. این در حالی است که بزرگترین منبع کسب دانش و مرجع گردآوری داده را باید تجربیات تاریخی بدانیم، مرور تاریخ چهل ساله‌ی این تقابل کاملاً گویای این مطلب است که موقعیت هرکدام از طرفین نسبت به یکدیگر چگونه است، استراتژی‌ها به چه نحوی ساماندهی شده و هدف چیست؟ در این بخش ما قصد داریم به این سوال اصلی پاسخ دهیم: هدف امریکا و اسرائیل نابودی ایران است یا حکومت جمهوری اسلامی ایران؟ در سایه‌ی پاسخ به این سوال لازم است به تجربیات تاریخ و نه صرف نظریات سیاسیون توجه کنیم. از سوی دیگر باید راهبردهای تجاوزکارانه را بشناسیم تا بتوانیم راهکاری برای آن ارائه کنیم. ذیلاً به مهم‌ترین خطراتی که امریکا و اسرائیل متوجه تمامیت ایران در معنای موسع خود داشته‌اند اشاره خواهیم کرد و شواهدی تجربی و عینی برای اثبات وجود این خطرات ارائه خواهیم کرد:

۱- خطر تجزیه

در میان صحبت‌های مقامات امریکائی و اسرائیلی اشاره به تشکیل حکومت‌های جدید و سرزمین‌هایی شده است که جز با تجزیه حاکمیت‌های بزرگ خاورمیانه میسر نیست، صحبت از خاورمیانه جدید با عنوان یکی از مهمترین دکترین‌های توجیهی در جنگ عراق مطرح شد. تجزیه که منظور از آن اعطای استقلال به قومیت‌ها و اقلیت‌ها نیست بلکه خردکردن قدرت‌های مقابل امریکا و اسرائیل هدف از آن است موضوعی بسیار جدی است. این تجزیه در تاریخ ایران و از دوران قاجار، دارای سابقه‌ای ثمربخش برای قدرت‌های بزرگ بوده است.

تجزیه طلبی، جدایی خواهی یک فرهنگ یا نژاد برای جدایی از گروهی بزرگ تر است که در آن وجود دارد، از دوره قاجاریه کشور ایران شروع به تجزیه شدن به طور گسترده شد و مناطقی مانند سمرقند، بخارا، ترکمنستان، افغانستان و قفقاز از ایران جدا شدند. بگذارید در اروپا دوران رنسانس از ابتدای قرن ۱۴ شروع شد و تا قرن ۱۶ ادامه یافت رنسانس یک تغییر نگرش به اصل کلمه انسان بود آنها قرن ۱۴ به دنبال روشنگری بودند و تجزیه طلبان در قرن ۲۱ به دنبال تخریب نماد ملی گرایی. ایران از قومیت‌های مختلفی با زبان و رنگ و پوشش متفاوتی تشکیل شده^۴. و این موضوع پناسیل خوبی برای اجرای راهبرد تجزیه در اختیار دشمن قرار می‌دهد. در چهل سال گذشته، جنگ ۸ ساله دفاع مقدس، گسترش اندیشه‌های قومیتی، تجهیز و توسعه‌ی گروه‌های تروریستی و تجزیه طلب، همگی به عنوان راهکاری برای اجرای این استراتژی محسوب می‌شدند.

این راهبرد امتحان شده، در طول تاریخ جوابگوی سلطه‌طلبی‌ها بوده و با کمترین هزینه، قدرت‌های بزرگ را به زانو درآورده است. این خطر صرفاً برای حاکمیت نیست، سرزمینی کهن با تاریخی یکپارچه را هدف قرار داده است،

^۴ - دانایی، احمد، ضرورت همبستگی و اتحاد در برابر دشمنان خارجی، قابل مشاهده در: <https://aftabzagros.ir>، آخرین بازدید در تاریخ

محو تمدن ایرانی و دیگر تمدن‌های بازمانده‌ی تاریخ، شروعی بر تسلط آمریکا بر تمام جهان است بدون هیچ مانعی و عامل گسترش صهیونیسم در خاومیان‌ها خواهد شد.

۲- تجاوز از نوع جنگ ترکیبی

آمریکا برای تحقق اهداف خود از ابزارهای مختلفی بهره می‌برد، تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران مبتنی بر شیوه‌های ترکیبی، با ساختارهای مدرن و سازمان یافته است که با بهره‌گیری از بروزترین ابزارهای فناورانه و روش‌های جنگی در حال برنامه‌ریزی و اجرا می‌باشد. به نظر نویسنده اگر در هر برهه‌ای از چهل سال گذشته و پیش از آن، کشورهای متخاصم، از اقدام نظامی اجتناب کرده‌اند، صرفاً به جهت ناتوانی آنان در تجاوز مستقیم بوده است، مذاکره، سازش، دیپلماسی و دیگر ابزارهای صلح‌آمیز در زمانی اتخاذ شده است که موازنه قدرت حاکم بوده و هر لحظه غفلت می‌تواند ایران را در ورطه‌ی جنگی سخت فرو برد.

به همین جهت کشورهای سلطه‌گر روی به جنگ ترکیبی آورده‌اند؛ جنگ ترکیبی، به شیوه‌ای از تقابل اطلاق می‌شود که دشمن از ابزارها و روش‌های متعددی همزمان بهره می‌گیرد؛ از حملات نظامی مستقیم گرفته تا عملیات روانی، نا امنی‌های اجتماعی و اقتصادی، حملات سایبری و تخریب زیرساخت‌ها. در این نبرد، مرز میان جبهه‌ها شفاف نیست و دشمن تلاش می‌کند با جنگ روانی، ترور، بمب‌گذاری و حملات دقیق هوایی یا پهپادی، مقاومت مردم را در هم بشکند. جنگ ترکیبی امروزه وجه تمایز جنگ‌های مدرن از نبردهای سنتی است و مهارت در شناخت لایه‌های مختلف آن، گامی اساسی در مقابله مؤثر خواهد بود.^۵ استفاده از ابزارهای مختلف در سطوح گوناگون از جمله خصوصیات این جنگ‌ها محسوب می‌شود. ابزار قدرت مورد استفاده به توانایی‌های بازیگر جنگ ترکیبی، آسیب پذیری‌های درک شده از دشمن، اهداف سیاسی، بازیگر و نوع برنامه ریزی بازیگر برای دستیابی به آن اهداف بستگی دارد. افزون بر این ماهیت جنگ ترکیبی مانند همه درگیری‌ها و جنگ‌ها به بستر آن وابسته است.^۶

جنگ ترکیبی با غلبه نسل چهارم جنگ‌ها علیه ایران برنامه ریزی شده است: نسل چهارم با دو تعبیر مورد استفاده قرار گرفته است: فناوری محور و ایده‌محور. در محور فناوری، مهمات هدایت شونده دقیق با حجم محدود، قابلیت حمله به اهدافی را فراهم می‌کنند که با تسلیحات سنگین نمی‌توان این اهداف را محقق کرد. در نسل چهارم ایده محور که محور جنگی نامتقارن محسوب می‌شود که از درون سنت‌های فرهنگی غیرغربی و با محوریت کنشگران غیردولتی متولد شده است.^۷

تهدیدات آمریکا در یک دسته‌بندی دیگر به تهدیدات نظامی و فیزیکی^۸ و همچنین به تهدیدات هسته‌ای شناسانه^۹ تقسیم می‌شود. تهدیدات نوع اول طبیعتاً با توسل به نیروی نظامی و اسلحه اعمال می‌شود و تهدیدات نوع دوم بر ضد ارزش‌های مدنی و حقوق بشر بومی که تهدید نرم نامیده می‌شود.

^۵ - موسوی تبار، سید امیر حسین، ایران مقاوم: حفظ روحیه همبستگی ملی در مقابل حملات و جنگ روانی دشمن، قابل مشاهده در: <https://rasekhoon.net/article/show/۱۶۰۲۴۷۰>، آخرین تاریخ بازدید در: ۱۴۰۴/۵/۲۸

^۶ - Cullen, P. J. & Reichborn-Kjennerud, E. (۲۰۱۷). *MCDC Countering Hybrid Warfare Project: Understanding Hybrid Warfare*. A Multinational Capability Development Campaign project, London. p ۹.

^۷ - محمدینجم، سید حسین (۱۳۹۳) جنگ شناختی: بُعد پنجم جنگ، تهران: مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی. ص ۲۳ - ۲۴.

^۸ -Physical Threat

^۹ -Ontological Threat

این وضعیت گویای آن است که ایران با تجاوزی ترکیبی، سازمان یافته و همه جانبه مواجه است؛ تهدید صرفاً علیه یک دولت و حاکمیت یا تئوری حاکم بر آن نیست بلکه تهدیدات علیه ایران در معنای وسیع کلمه و تمدنی است کانع از توسعه و گسترش صهیونیسم و استکبار محسوب می‌شود.

۳- فشارهای اقتصادی

مسئله اقتصاد به عنوان یکی از ابزارهای مهم در تقابل بین کشورها دارای اهمیت خاصی است. ضعف اقتصادی می‌تواند حاکمیت‌ها و جوامع به پایین‌ترین سطح خود تنزل داده و در ادامه عامل شکست و نابودی باشد. تحریم اقتصادی هدفی جز این ندارد. هدف اولیه از آن ایجاد تقابل بین مردم و حاکمیت است، مردمی که دارای مشکلات اقتصادی فراوانی هستند، با فشار به حکومت‌ها و مطالبات خود، نظم عمومی را خدشه دار می‌کنند و در این برهه است که هرگونه تغییر سیاسی محتمل است. به نظر می‌رسد هدف اولیه از تحریم اقتصادی ملت ایران باشد، این شیوه از تقابل در تضاد آشکار با هرگونه حمایت از مردم در مقابل حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارد. تخریب زیرساخت‌های اقتصادی در کوتاه مدت، به زیان مردم است و احتمال اثرگذاری آن بر حکومت در دراز مدت نیز اثبات نشده است. آمریکای و اسرائیل با استفاده از ابزارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی تلاش می‌کنند تا اراده ملت ایران را تضعیف کنند. تحریم‌ها نه تنها فشار اقتصادی ایجاد می‌کنند، بلکه هدف آنها شکستن روحیه مقاومت و وحدت ملی است. اما همان‌طور که در دفاع مقدس دیدیم، فشارها و سختی‌ها می‌توانند به فرصتی برای تقویت انسجام داخلی تبدیل شوند.^{۱۰} در این میان شدیدترین و بی سابقه ترین تحریم‌ها در دوره‌ی دونالد ترامپ علیه ج.ا.ایران اتخاذ شد که می‌توان گفت هدف او از این استراتژی گسترش و تعمیق بحران با تکیه بر ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت بود. اگرچه بیشترین تمرکز بر اعمال تحریم بر اساس این هدف در دوره ی ترامپ صورت گرفت، اما این هدف نیز اساس تحریم‌ها در اغلب دوره های سیاست خارجی آمریکا بوده است.^{۱۱}

اگر نگوئیم تمامی مشکلات اقتصادی در ایران ناشی از تحریم‌های یکجانبه غرب و امریکاست ولی به طور قطع باید این دشمنی با ملت ایران را به عنوان یکی از وضعیت‌های غالب در سال‌های گذشته محسوب نمود که موجب آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و امنیتی شده است. چگونه می‌توان این وضعیت را رفتار صلح‌آمیز با ملت ایران خواند.

۴- شکست دکترین سازش

در تقابل با رفتارهای سلطه‌جویانه آمریکا، عموماً دو رویکرد متفاوت مطرح می‌گردد: رویکرد نخست، ضرورت مداخلات و پذیرش شرایط تحمیل شده از سوی آمریکا را تبلیغ می‌کند. پیرامون روابط ایران با آمریکا، نظریات مختلفی ارائه شده است، دکترین سازش با آمریکا که از سوی برخی مقامات و نویسندگان مطرح شده است، طرفدارانی نیز دارد و حتی برخی از این ابزار برای فشار بر حاکمیت استفاده می‌کنند و گاهی در تصمیمات سیاسی و حقوقی نیز موثر بوده است. این دکترین بر پایه‌ی وعده‌هایی که از سوی مقامات آمریکائی در دولت‌های مختلف داده شده است مطرح شده و به نظر پایه و اساسی در روابط بین‌المللی و محاسبه بر اساس روش علمی ندارد.

در دکترین سازش، هرگونه چالش و مقاومت در مقابل آمریکا پیامدها و هزینه‌هایی همچون تحریم و حمله نظامی را بر کشور تحمیل می‌کند. لذا، برای در امان ماندن از هزینه‌ها و پیامدهای مذکور، باید دست از مقاومت و ایستادگی برداشت و تن به سازش با آمریکا داد و خواسته‌های آن کشور را پذیرفت. اما در مقابل، دیدگاه دیگری وجود دارد که

^{۱۰} - بهرامی، سجاد، وحدت و همدلی مردم ایران کلید پیروزی در برابر دشمنان است، قابل مشاهده در <https://www.mashreghnews.ir/news>، آخرین مشاهده در ۱۴۰۴/۷/۱۴

^{۱۱} - ذوالفقاری، مهدی، احمدی نژاد، حمید (۱۴۰۲) استراتژی چهار دهه تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه محیط شناسی راهبردی ج.ا.ایران، سال هفتم، شماره ۴، ص ۱۱.

معتقد به لزوم مقاومت و ایستادگی در مقابل زیاده خواهی های امریکا و هر کشور سلطه گر است. از منظر این دیدگاه، هزینه های سازش و تسلیم در مقابل امریکا به مراتب بیشتر از هزینه ها و پیامدهای مقاومت و ایستادگی است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که با ایستادگی و مقاومت می توان به آثاری دست یافت که با سازش و تسلیم حاصل نمی شود.^{۱۲}

در گروه طرفداران عدم سازش باید به رهبری مقتدر ایران اشاره کرد، رهبری بدون اینکه بر طبل جنگ بکوبد و گزینه ی نظامی را مطرح کند، سازش را راهکاری مناسب نمی داند. به اعتقاد ایشان، «سازش با امریکا مشکلات کشور را حل نمی کند، بلکه افزایش خواهد داد؛ مشکلات ما را خودمان باید حل کنیم.» در این دیدگاه سازش عامل رهایی و توسعه نیست و هزینه هایی بر کشور و مردم تحمیل می شود که به مراتب بیشتر و گسترده تر از تقابل و مقاومت است. البته نباید فراموش کرد که عدم سازش به معنای تقابل نظامی نیست، تجهیزات نظامی در راستای عدم سازش گسترش نمی یابد بلکه آنچه در این مسیر باید مورد توجه قرار گیرد عدم تبعیت بی چون و چرا است، مذاکره در مکتب عدم سازش نفی نشده است و عقلانیت انکار نمی شود. شاید دلیل اصلی از کنار گذاشتن دکتربین سازش، مفهومی باشد که آمریکا از آن انتظار دارد و آن تسلط بر امور داخلی ایران است.

همانطور که گفته شد داده های ما باید مبتنی بر تجربیات تاریخی باشد؛ نمونه های عینی از شکست دکتربین سازش با امریکا در مورد کشورهای دیگر و نیز در تاریخ ایران قابل مطالعه است که نشان از درستی شکست این دکتربین دارد:

الف- لیبی و سرنوشت قذافی

لیبی به رهبری معمر قذافی در توافقات یا بهتر بگوییم در سازش های بزرگ و تاریخی، سعی در جلب نظر امریکا داشت تا از این طریق به توسعه اقتصادی دست یافته و حاکمیت خود را حفظ کند، کما اینکه از همان نقطه آسیب دیده و بعد از نابودی حاکمیت، کشور در ورطه ای از ناامنی و انحطاط فرو رفت و این سازش هیچ نتیجه ی مثبتی برای آن به همراه نداشت. نمونه هایی از این سازش کاری را می توان اینچنین خلاصه کرد:

- لیبی در ابتدا برای کاهش فشارها و تبعات منفی برخورد با امریکا، پذیرفت که در ازای هر امریکایی کشته شده در انفجار سال ۱۹۸۸ م. هواپیمای پان امریکن (حادثه معروف به پرونده لاکربی که امریکایی ها لیبی را مقصر می دانستند) مبلغ ده میلیون دلار در مجموع، بالغ بر دو میلیارد و هفتصد میلیون دلار غرامت پرداخت کند.
- لیبی با هدف اعتمادسازی و به امید وعده های تجاری غرب، در پاسخ به مطالبه امریکا مبنی بر تعطیلی فعالیت هسته ای به بهانه نگرانی از رفتارهای خصمانه احتمالی لیبی، تأسیسات هسته ای خود را برچید و همه را به امریکا ارسال کرد.
- لیبی با هدف اعتمادسازی، محدودیت هایی را در سامانه های موشکی خود اعمال کرد و در این راستا، تمامی تجهیزات مرتبط با موشک های اسکاد- سی را منهدم کرد و، همچنین، موافقت نمود که موشک های اسکاد- بی را نیز نابود کند.^{۱۳}

این سازش های لیبی نه تنها عطش سلطه طلبی آمریکا را کاهش نداد بلکه بهانه های بیشتری در اختیار آنان برای فشار بر لیبی قرار داد، بهانه ای که بر اساس آن لیبی متهم به نقض حقوق بشر و نقض آفرینی در منازعات منطقه ای

^{۱۲} - نصیری، علی اصغر، تسلیم یا مقاومت در برابر دشمن (امریکا): نتایج و پیامدها، مجله پیام - پاییز ۱۳۹۷ - شماره ۱۳۰، قابل مشاهده در :

<https://hawzah.net/fa/Article>.. آخرین بازدید در تاریخ ۱۴۰۴/۶/۱۸

^{۱۳} - پیشین

شد. این بهانه‌جویی‌ها سبب شد که در درگیری‌های سال ۲۰۱۱. ۲۰۱۲ لیبی دستخوش حوادث تاریخی سرنوشت‌سازی گرد. قذافی با تمام قدرت خود شکست سختی را متحمل شد. این رخداد تنها سقوط حکومت نبود بلکه آتشی را روشن کرد که تمام تاریخ لیبی را در خود سوزاند و اکنون جز هرج و مرج نتیجه‌ای نداشته است.

ب- سرنوشت سازش با آمریکا در کره شمالی

سال‌ها مذاکره کره‌ی شمالی با آمریکا منجر به تخریب بخشی از تاسیسات هسته‌ای این کشور به صورت خودخواسته شد و در سازشی یک‌طرفه صرفاً توسعه نظامی این کشور که با هزینه‌های گزاف به دست آمده بود نابود شد و هیچ عایدی برای این کشور در پی نداشت. با به قدرت رسیدن جرج دبلیو بوش، آمریکا نه تنها به تعهدات خود در چارچوب توافق پیشین عمل نکرد، بلکه سیاستی جنگ‌طلبانه را علیه کره شمالی در پیش گرفت و این کشور را به عنوان بخشی از «محور شرارت» معرفی کرد.

در طی مذاکرات کره‌ی شمالی با آمریکا آنچه موجب می‌شد که آمریکا از خواسته‌های خود کوتاه بیاید نه صرف دیپلماسی و گفتگو که برخی از اقدامات عملی کره شمالی مانند آزمایش اتمی کره شمالی بود که موجب شد مواضع آمریکا رو به نرمی بگراید و پس از چندین دور مذاکره در سال ۲۰۰۷ برخی از نتایج مثبت برای کره شمالی به دست آمد و کشورهای مذاکره‌کننده متعهد شدند اقدامات لازم را برای عادی‌سازی روابط با آن کشور به طور عملی انجام دهند مثل خروج نام کره شمالی از فهرست کشورهای حامی تروریسم^{۱۴}.

ج- شکست دکترین سازش با آمریکا در پرتو تجربیات تاریخی ایران

تحولات تاریخ معاصر ایران همواره تحت تأثیر نقش‌آفرینی قدرت‌های جهانی بوده است، و در این میان، ایالات متحده آمریکا به عنوان یک بازیگر اصلی، تأثیرات عمیقی بر مسیر ایران گذاشته است. برخی جریان‌های داخلی در مقاطع مختلف، با اتکا به این کشور در پی دستیابی به مشروعیت سیاسی با بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی برآمدند.

نمونه بارز این رویکرد، دوران دکتر مصدق پس از ملی شدن صنعت نفت است. در مواجهه با تحریم و فشار انگلیس، دولت مصدق با اعتماد به آمریکا وارد مذاکره شد و امتیازاتی ارائه کرد. اما آمریکا، در تضاد با توافقات، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با همکاری انگلیس علیه دولت قانونی او اقدام کرد و دولت ملی را سرنگون ساخت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نیز، گرایش به سازش با آمریکا در میان برخی سیاست‌گذاران وجود داشت؛ غافل از اینکه اساس این انقلاب، استقلال‌خواهی و مقابله با سلطه بود که ذاتاً در تقابل با خواست آمریکا قرار داشت. مهندس بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، علیرغم فشارهای آمریکا علیه انقلاب نوپا، به صورت پنهانی با مقامات آمریکایی وارد مذاکره شد. در حالی که اسناد بعدی نشان داد آمریکا در همان دوره مشغول جاسوسی، توطئه و طراحی کودتای نقاب (نوزده) علیه جمهوری اسلامی بود. این تناقض، به استعفای دولت موقت انجامید.

در ادامه تاریخ جمهوری اسلامی نیز، نمونه‌های متعددی از تعامل یا توافق با آمریکا وجود دارد که عموماً به نتیجه مثبتی برای ایران منجر نشده است:

۱۴ - اسلامی، سعید (۱۳۹۵) بحران تصمیم‌گیری در بحران اتمی کره شمالی (بحران اتمی کره به مثابه یک بازی (فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، مقاله ۶، دوره ۸، شماره ۲۶، اردیبهشت ۱۳۹۵، صفحه ۱۳۹-۱۷۰ ص ۱۱.

• توافق الجزایر (۱۳۵۹): برای آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا (لانه جاسوسی)، ایران طبق بیانی‌های الجزایر گروگان‌ها را آزاد کرد، اما آمریکا به تعهد خود مبنی آزادسازی اموال بلوکه شده ایران عمل نکرد.

• مذاکره برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان (دهه ۱۳۶۰): با میانجیگری ایران، گروگان‌های آمریکایی در لبنان آزاد شدند، اما آمریکا بار دیگر از اجرای کامل تعهدات خود (از جمله در زمینه اموال بلوکه شده) شانه خالی کرد.

• توافق برجام (۱۳۹۴): این توافق گسترده و پرهزینه با گروه ۵+۱ به رهبری آمریکا منعقد شد تا در ازای محدودیت‌های قابل توجه بر برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌ها لغو شوند. ایران عمده تعهدات خود را اجرا کرد، اما آمریکا نه تنها به طور کامل به تعهداتش عمل نکرد، بلکه نهایتاً به صورت یک‌جانبه از برجام خارج شد و تحریم‌های شدیدتری نیز اعمال کرد.

تجربه تاریخی ایران نشان می‌دهد که رویکرد سازش و اعتماد به تعهدات آمریکا، بدون تضمین کافی و تغییر در ماهیت رفتار خصمانه این کشور، نتیجه مطلوبی در پی نداشته و عموماً به زیان منافع ملی ایران بوده است.

۵- اندیشه‌های سلطه طلبانه آمریکا

آمریکا نظامی بر پایه‌ی سلطه و قدرت طلبی است؛ ادعای تک قطبی بودن جهان و توهم اینکه باید کدخدای دهکده‌ی جهانی زیر نظر آمریکا باشد، راهبردهایی را در اختیار این دولت قرار داده است که امکان هر خطری را برای بشریت فراهم می‌سازد. نباید فراموش کرد وقتی سخن از آمریکا به میان می‌آید، اسرائیل را به عنوان نیروی متحد و نیابتی این کشور باید در خط مقدم این تهاجمات و تجاوزگری‌ها قرار داد. از منظر این مقاله، اسرائیل آلت قتاله‌ای است که در اختیار آمریکاست، اسرائیل بدون فرمان و بدون پشتیبانی آمریکا جرأت نزدیک شدن به ایران را ندارد فلذا اندیشه‌های آمریکائی در قالب رفتارهای اسرائیل ظهور می‌یابد و عقیده ما بر این است که رژیم صهیونیستی حتی از خود ایدئولوژی و استراتژی خاصی در مقابله و رویارویی با ایران ندارد، بنابراین موضوع اصلی و دشمن اصلی آمریکاست و هر آنچه از خطرات و تهدیدات گفتیم منعکس کننده‌ی دیدگاه آمریکایی است. رهبری و بنیانگذار جمهوری اسلامی با وقوف به این امر، آمریکا را با لقب «شیطان بزرگ» خطاب کردند؛ زیرا به عقیده امام دولت آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است و برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید.^{۱۵}

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بازیگری که هژمونی آمریکا و بلکه نظام سلطه حاکم بر روابط بین‌الملل را به چالش کشیده و منتقد جدی و فعال مناسبات ظالمانه و ناعادلانه حاکم بر جهان است، همواره یکی از اهداف استراتژیک و اصلی آمریکا در اعمال دیپلماسی اجبارآمیز بوده است که باروش‌ها و ابزارهای متفاوت مثل تحریم تسلیحاتی، استقرار پایگاه‌های نظامی در مدار و شعاع ۳۶۰ درجه جغرافیای ایران زمین، فشار سیاسی، تحریم اقتصادی و تلاش برای انزوا و تنگ‌تر کردن حلقه محاصره انقلاب اسلامی، خواستار تسلیم جمهوری اسلامی و دنباله‌روی از سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی غربی‌ها بوده است.^{۱۶}

^{۱۵} - صحیفه نور (۱۳۶۹)، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱۳، ص ۸۴.

^{۱۶} - قادری کنگاوری، روح الله، (۱۴۰۲). جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره؛ از دیپلماسی اجبار تا بازدارندگی اطلاعاتی. مطالعات راهبردی آمریکا، ۲ (۴)، ۴۷-۱۱. doi: ۱۰.۲۷۸۳۴۷۴۳/ASS.۲۳۰۶.۱۱۶۴.۱. ص ۱۲.

مصادیق اقدامات سلطه‌طلبانه آمریکا در قبال ایران را می‌توان به فراوانی در تجربیات تاریخی مشاهده کرد؛ از آغاز فعالیت نظام جمهوری اسلامی ایران، کشورهای آمریکا و بلوک غرب و نیز رژیم صهیونیستی در تلاشی آشکار و در تناقض با تمام تعهدات بین‌المللی و قراردادی خویش اقداماتی چون واقعه طبس، کودتای نوژه، جنگ عراق علیه ایران، حمله به هواپیمای مسافربری ایران، حمله به سکوها پایانه‌های نفتی ایران، حمایت از گروه‌های برانداز مخالف جمهوری اسلامی ایران ترور ژنرال این کشور (شهید حاج قاسم سلیمانی)، تلاش برای به انزوا کشاندن ایران در عرصه‌های بین‌المللی و قرار دادن ایران در لیست محور شرارت را در دستورکار سیاست خارجی خود قرار داد.^{۱۷}

این سلطه‌گری‌ها و هرآنچه از این اقدامات متوجه ایران شده است، دشمنی ملت ایران را با آمریکا و رژیم صهیونیستی عمق بخشیده و در ایجاد یک همبستگی عمومی و وفاق ملی موثر بوده است. نباید فراموش کرد که خانواده‌های ایرانی بسیاری از تجاوزات این دو کشور داغدار است و همین داغ و اندوه می‌تواند به عنوان نقطه‌ی اشتراکی بر همبستگی تلقی گردد.

۶- ایران چالشی بزرگ برای هژمونی آمریکا

آمریکا و رژیم صهیونیستی با ادعای برنامه ریزی برای خاورمیانه جدید و تسلط بر اوضاع جهان، بعد از انقلاب اسلامی با موقعیتی مواجه شدند که دور از انتظار آنان بود، مانعی بزرگ به نام ایران برای دست یابی آنان به اهداف خود، آمریکا که با تفکری برتری جویانه در حمایت از یهود و رژیم صهیونیستی در خاورمیانه حضور دارد و از سوی دیگر منافع اقتصادی و ملی خود را دنبال می‌کند، برای آنکه به راحتی در منطقه حضور داشته باشد، باید ابتدا موقعیت نظامی و جغرافیایی خود را تثبیت کند که در این مسیر با ایران مواجه شده است. شاید در ابتدا نیز رژیم صهیونیستی و آمریکا تصور نمی‌کردند ایران به چالشی بزرگ برای آنان تبدیل شود که این اتفاق رخ داد و نتوانست توفیق یابد. انقلاب اسلامی ایران، تمام معادلات منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل را برهم زد و حل این چالش را به عنوان موضوع حیثیتی در دستور کار سران این کشورها قرار داد. می‌توان چنین نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نه تنها ایران را از ستون سیاست ایالات متحده و آنچه رئیس‌جمهور وقت جیمی کارتر آن را جزیره ثبات در یکی از آشفته‌ترین مناطق جهان می‌نامید، خارج کرد^{۱۸}. بلکه ج.ا.ایران را به یکی از مهمترین چالش‌های موجود در راه برقراری نظم آمریکایی تبدیل کرد. از این نظر طبیعی بود که در همان ابتدای امر، استثنائگرایی سلطه و استعمارگرایی آمریکایی در مقابل استثنائگرایی ضد سلطه و ضد استعمارگرایی ج.ا.ایرانی قرار گیرد.

سند جدید راهبرد امنیت ملی ایالات متحده در شیپور جنگ پیشدستانه می‌دمد و کشورهای مذکور را بزرگترین تهدیدات امنیت ملی می‌نامند. نومحافظه‌کاران بر طبل جنگ می‌کوبند و رسانه‌های زنجیره‌ی این داستان را با کلماتی شبیه مسابقه نهایی و شمارش معکوس تبلیغ می‌کنند.^{۱۹} هرچند نظام بین‌الملل حداقل در سطح سیاست، نظامی تک قطبی است^{۲۰} اما با این حال آمریکا به تنهایی نمی‌تواند چالش‌ها و تهدیدهای

^{۱۷} - خسروی، علیرضا. (۱۳۹۷). رابطه متقابل هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آمریکای دشمن. فصلنامه مطالعات راهبردی - ۵۵ (۸۰) ۲۱، ص ۷۴.

^{۱۸} -Maloney, Suzanne (۲۰۰۱). "America and Iran: From Containment to Coexistence", Brookings Policy Brief, (۸۷), PP. ۱-۷. P ۱.

^{۱۹} -Crinicione, Joseph. (۲۰۰۶). Fool me Twice. Foreign Policy.p ۹۶.

^{۲۰} -Buzan, B. & Little, R. (۲۰۰۰). International Systems in World History: Remaking the Study of International Relations, London: Oxford University Press, p ۳۸۶.

رویاروی خود را حل کند.^{۲۱} و با عنایت به اهداف و استراتژی‌های خود، ایران را به عنوان چالشی مهم برای خود قلمداد می‌کند.

۷ - سیاست های دوگانه امریکا در قبال ایران

برخی عقیده دارند سیاست و امنیت بین الملل همزمان دارای دو بُعد آشکار و پنهان است و توجه به دیپلماسی پنهان به عنوان یکی از رویه های بُعد پنهان روابط بین‌المللی، یکی از ضرورتهای پرداختن به مساله نسبت میان اطلاعات و دیپلماسی و به عبارت دقیق تر سازمانهای اطلاعاتی -امنیتی و دستگاه دیپلماسی رسمی کشورهاست.^{۲۲} در خصوص سیاست آمریکا نسبت به ایران این موضوع کاملاً امری ثابت شده است که دوگانه بودن از اوصاف ذاتی آن محسوب می‌شود. وصفی که تنها بر دیپلماسی آمریکا نسبت به ایران حاکم است در اقدامات نظامی و اقتصادی این دوگانگی اصولاً دیده نمی‌شود و فشار حداکثری را شاهد هستیم.

یکی از راهبردهای امریکا که بیانگر سیاست دوگانه آن است استفاده از دیپلماسی اجبار است؛ هدف اصلی دیپلماسی اجبار حل و فصل بحران‌ها و ستیزه‌های مسلحانه بدون توسل به جنگ تمام عیار است. دیپلماسی اجبار مبتنی بر تهدید و استفاده محدود از زور و قدرت است تا از این طریق بتوان دشمن را از انجام اقدام های خود منصرف کرد و پیامدهای اقدامات انجام شده را کم رنگ و بی اثر ساخت.^{۲۳}

آمریکایی ها همواره گزاره های ذیل را در مذاکره با ایرانی ها تکرار می کنند:

۱- ادعای ترک نکردن میز مذاکره و بازبودن درهای دیپلماسی به روی ایران؛

۲- تشدید فشار سیاسی؛

۳- گسترش و تعمیق تحریم های اولیه و ثانویه؛

۴- تهدید به حمله نظامی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم.

۵- التهاب آفرینی و عملیات روانی و رسانه ای علیه مشروعیت نظام جمهوری اسلامی؛

۶- تلاش برای تقابل دو منطق در سیاست داخلی و خارجی

الف) سیاست داخلی :دوگانه حقوق شهروندی و تکالیف شرعی /حق مداری و تکلیف محوری/ فقه سالاری و مردم سالاری؛

ب) سیاست خارجی :دوگانه میدان و دیپلماسی /وابستگی متقابل و بازدارندگی /منافع ملی و مصالح اسلامی / نگاه به شرق و نگاه به غرب.^{۲۴}

یکی از جالب‌ترین پدیده‌ها در سیاست جهانی، استراتژی لبه پرتگاه^{۲۵} است. هر یک از طرفین، طرف دیگر را به سمت آستانه جنگ می‌کشاند تا امتیازاتی را به دست آورد یا آن را به نتیجه ی دلخواه

۲۱ - گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸) دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی .. ص ۹۶۶ - ۹۶۸.

۲۲ - قادری کنگاوری، روح الله. (۱۴۰۲). جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره؛ از دیپلماسی اجبار تا بازدارندگی اطلاعاتی. *مطالعات راهبردی آمریکا* ۱، ۱۱۶۴، ۲۳۰۶، ASS.۲۳۰۶، ۱۱۶۴، ۱۰، ۲۷۸۳۴۷۴۳/doi: ۱۱-۴۷. (۴)، ۲، ص ۱۳.

۲۳ - کالینز، الن (۱۴۰۰) مطالعات امنیتی معاصر ترجمه علیرضا ثمودی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. ص ۲۴۳.

۲۴ - قادری کنگاوری، روح الله. (۱۴۰۲). جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره؛ از دیپلماسی اجبار تا بازدارندگی اطلاعاتی. *مطالعات راهبردی آمریکا* ۲، ۱۱۶۴، ۲۳۰۶، ASS.۲۳۰۶، ۱۱۶۴، ۱۰، ۲۷۸۳۴۷۴۳/doi: ۱۱-۴۷. (۴)، ۲، ص ۴۲.

خود وادار نماید. لبه پرتگاه نوعی استراتژی تلقی می‌گردد که در طول یک بحران اتخاذ می‌شود تا دشمن را وادار به انجام یک حرکت آشتی جویانه نماید.^{۲۶}

با یک مرور کلی بر سیر تاریخی تحولات روابط ایران و آمریکا در زمان چهل ساله انقلاب کاملاً این موضوع مشخص می‌شود که سیاست‌های دوگانه‌ی آمریکا با بهره‌گیری از تئوری‌های گفته شده قابل استنباط است. آمریکا تحت تاثیر صهیونیسم و لابی یهودی در اتخاذ برخی از اقدامات خود علیه ایران، شاید دچار سردرگمی شده است ولی هدف خود را فراموش نکرده است.

بخش دوم: راهکارهای افزایش همبستگی در برابر تجاوز به وطن

بعد از تشریح وضعیت موجود و موقعیت تقابل که بین ایران و بلوک آمریکا - رژیم صهیونیستی برقرار است، لازم است راهکاری جهت مقابله با این تهدیدات و خطرات اندیشیده شود، راهکاری که هم می‌تواند بازدارنده باشد و هم در زمان تجاوز، دفاعی متناسب محسوب شود؛ چنانکه گفته شد عنصر همبستگی و هرگونه وفاق ملی، فارغ از اینکه در آینده جنگی رخ دهد یا خیر، نیاز ضروری برای جامعه‌ی ایرانی است. تهدید جدی است هرچند منجر به تجاوز نظامی نشود و همبستگی عامل دفع خطر و توسعه است، راهکاری کلی که می‌تواند نتایج و شاخه‌های بسیار داشته باشد. ذیلاً به مفهوم همبستگی خواهیم پرداخت و در ادامه به سازوکارهای افزایش همبستگی در مقابل انواع تهدیدات اسرائیل می‌پردازیم.

۱- مفهوم همبستگی در برابر تجاوز خارجی

ابتدا باید دید همبستگی چیست؟ جامعه‌ی ایرانی در چه موقعیتی واجد این خصوصیت است و چه اصول و مبانی می‌تواند توصیف متناسبی از آن ارائه نماید. به عبارت دیگر باید در کنار شناخت انواع تهدیدات، راه حل را نیز شناسایی کرد. دکترین این مقاله مبتنی بر نظریه‌ی همبستگی در برابر تجاوز خارجی در مقابل دکترین سازش، مذاکره، جنگ و ... است. جامعه‌ی ایرانی به جهت قدرت حاکمیتی، ایدئولوژی قوی، امکانات جمعیتی و سرزمینی در مقابل اسرائیل به مانند یک ابرقدرت می‌تواند عمل کند و تمام این مولفه‌ها را تنها همبستگی است که می‌تواند تجهیز کند.



^{۲۶} -Evans, G.; Newnham, J. (۱۹۹۸). The Penguin dictionary of international relations. New York: Penguin Books. P ۵۶.

الف- همبستگی در آموزه های اسلامی

در آموزه های اجتماعی و سیاسی اسلام هر گونه تفرقه و نفاق، همدستی با دشمن و تسلط یافتن دشمنان بر مسلمین نفی شده است و در آیات مختلف قرآن به صراحت بر همبستگی در مقابل دشمن تاکید شده است. آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» آل عمران: ۱۰۳ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید»، دعوتی همیشگی برای همبستگی است. تفرقه عامل تضعیف و هرج و مرج سیاسی و اجتماعی است و در آیه ای دیگر وجود و نفوذ تفرقه را خواست شیطان دانسته است و بیان داشته است «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ» مائده: ۹۱ «شیطان فقط می خواهد میان شما دشمنی و کینه برانگیزد...». به بیان امروزی، این آیه نشان می دهد که چگونه اطلاعات نادرست، جنگ روانی و دستکاری خارجی می توانند در صورت عدم محافظت از وحدت، یک جامعه را متلاشی کنند.^{۲۷}

ب- همبستگی در اندیشه های رهبر انقلاب اسلامی

رهبری ایران در برهه های مختلف تاریخی و در رویدادهای مختلف به این مهم اشاره کرده است و عنوان داشته که انسجام ملی و وحدت رمز موفقیت و پیروزی است؛ گرایش به سمت و سوی دشمن غیر از شکست و سرافکندگی نتیجه ای ندارد. بعد از جنگ ۱۲ روزه تئوری همبستگی و وفاق ملی ایشان بدین شکل ابراز شده است: «اهمیت حفظ وحدت و همبستگی ملی در برابر دشمن خارجی، حول محور ایده دولت به عنوان نقطه اتکای ساختار سیاسی کشور» محقق خواهد شد. ایران محوری در تمامی اندیشه های ایشان تبلور یافته است. این تفکرات که به عنوان واکنشی به تمامی گمانه زنی ها از تفسیر جنگ و هرگونه پیش بینی آینده ارائه شده است، بیانگر راهکاری کلی برای هر موقعیتی می باشد. این پیام در سال ۱۴۰۴ هنگامی اعلام شد که برخی از شایعات از مذاکرات و ارسال پیام برای آمریکائی ها حکایت داشتند و دکتترین سازش را مطرح می کردند. موضوعی که به نظر می رسد باید بدان توجه کرد این است که پیش بینی رخداد بدون ارائه ی راهکاری نتیجه بخش نخواهد بود، وقتی پتانسیل همبستگی وجود دارد پس چگونه است که به ابزارهای دیگر که با اما و اگر همراه است باید توسل جست.

ج- نمونه های تاریخی موفق همبستگی در تاریخ ایران در برابر تجاوز بیگانگان

تاریخ ایران بیش از هر واقعه ی دیگری، تجاوز و تهدید را تجربه کرده است؛ در تمام این رخدادهای نظامی، موفقیت از آن جامعه ای بوده است که واجد همبستگی و وفاق بوده، قدرت اصلی ایرانی در یکپارچگی نهفته است و این رمز موفقیت را نمی توان با راهکار دیگری جایگزین نمود.

یکی از نمونه های تاریخی این همبستگی در دوران مشروطه رخ داد. در کنار استفاده عمومی از واژگان خانواده همبستگی به وسیله مشروطه خواهان و سوسیالیست های دوره مشروطه، طرفداران اتحاد جهان اسلام نیز از ادبیات مشابهی گاه در عرصه سیاست و گاه در عرصه روشنفکری و جامعه برای ترویج اتحاد مسلمانان و کشورهای اسلامی استفاده می کردند. سابقه تألیف رساله هایی با این موضوع حتی به قبل از مشروطه می رسد برای نمونه کارستان اتفاق رساله ای است سیاسی نوشته محمدتقی کمال الدین سنجر ایرانی تهرانی در سال ۱۳۱۵ که شرح مذاکرات و توافقات شیخ رئیس ابوالحسن میرزا سفیرکبیر

۲۷ - سرمقاله شماره ۱۶۱ روزنامه صدای ایران، منطق «همه با هم باشید» قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/others-report?id=61943>، آخرین بازدید در ۱۴۰۴/۹/۱۰.

ایران در عثمانی است. در نویسنده رساله ابتدا پیروزی‌های اسلام را جملگی محصول دولت یكدلی و یک جهتی دانسته است.^{۲۸}

همبستگی مردم زمان قاجار در برابر روس‌ها تحت فرماندهی واحد بود که توانست برخی از موفقیت‌ها را در پی داشته باشد. نمونه تازه‌تر این انسجام را می‌توان در «جنگ ۱۲ روزه» اخیر دید. دشمنان ایران تصور می‌کردند که با ترور فرماندهان ارشد نظامی و فشار روانی، مردم از حکومت فاصله خواهند گرفت و حتی ممکن است گروه‌هایی از داخل به خیابان‌ها آمده و به پروژه دشمن کمک کنند. اما نتیجه برعکس شد: ملت ایران یکپارچه و همدل، مانند صخره‌ای استوار در برابر این فشار ایستاد و نشان داد که همبستگی ملی نه یک شعار بلکه حقیقتی ریشه‌دار در تاریخ ایران است. بنابراین می‌توان گفت در طول تاریخ، هرچند ملت ایران بعضاً به صورت طبیعی در عرصه داخلی دچار اختلاف نظر، رقابت‌ها و... بوده است، اما در برابر بیگانگان همیشه سدی عظیم و شکست‌ناپذیر ساخته است. چه در برابر تجاوز نظامی و چه در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، ایرانیان نشان داده‌اند که اگرچه خاک می‌خورند، اما خاک نمی‌دهند.^{۲۹}

د- همبستگی از منظر اندیشمندان

اندیشمندان برجسته همواره استدلال کرده‌اند که وحدت یک ضرورت راهبردی برای ملت‌ها تحت تهدید است. برای نمونه آرنولد توین‌بی، تاریخ‌دان مشهور جهان، معتقد است تمدن‌ها نه به دلیل حملات خارجی، بلکه به دلیل فروپاشی درونی از بین می‌روند: «تمدن‌ها بیشتری بر اثر خودکشی می‌میرند تا قتل». این قواعد منطقی درباره ایران نیز صدق می‌کنند؛ تهدیدات خارجی زمانی بیشترین اثر را دارند که انسجام درونی تضعیف شده باشد.^{۳۰}

در یک مطالعه کامل تخصصی که به بررسی راهکارهای همبستگی در ایران پرداخته شده است به شرح ذیل راجع به این موضوع با در نظر گرفتن ساختارهای اجتماعی جامعه‌ی ایرانی اظهار نظر شده است:

«اصلی‌ترین زمینه‌ای که بایستی در آن مسئله‌ی همبستگی در ایران پی‌ریزی شود، پذیرش واقعیتی به نام «پایایی و مانایی تنوع فرهنگی» است. بر مبنای فراترکیب مطالعات، مختصات همبستگی در جامعه‌ی چندقومی ایران، معلول «قرابت‌های بین فرهنگی»، «گسست و عدم شمولیت در سیاست‌های قومی»، «ناپایداری و نامتوازن بودن توسعه»، «ناکارآمدی مدیریت سیاسی اقوام» و «اختلال در شناسایی» است. در این میان «جهانی‌شدن فرهنگی»، «الگوپذیری از نخبگان قومی»، «ژئوپولیتیک مناطق قومی و مداخلات فراملی» و «امتداد قومی» به عنوان شرایط مداخله‌گر به شمار می‌آیند. با وجود آن که تنوع قومی و مذهبی به مثابه دال مرکزی در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، با این وصف، کارگزاران سیاسی در برهه‌هایی به راهبردهایی متوسل گشته‌اند که رنج اجتماعی و برون‌گرایی را در اجتماعات قومی شکل داده است.^{۳۱}

با شناخت مفهوم همبستگی در جامعه‌ی ایرانی می‌توان به این مهم دست یافت که چه راهکارهایی برای افزایش این مولفه و نیز چه راهکارهایی برای تقویت آن با در نظر گرفتن خصوصیات بومی، قابل ارائه است.

۲۸ - ذاکری، علیرضا. (۱۴۰۱). «همبستگی» در ایران معاصر: تاریخ یک مفهوم (از دوره مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷). (مطالعات فرهنگی و ارتباطات) ۱۸، (۶۸). ص ۵۱.

۲۹ - امرایی، جبار، خاک می‌خوریم اما خاک نمی‌دهیم: روایت همبستگی ایرانیان، قابل مشاهده در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news> آخرین بازدید در تاریخ ۱۴۰۴/۹/۹

۳۰ - سرمقاله شماره ۱۶۱ روزنامه صدای ایران، منطق «همه با هم باشید» قابل مشاهده در <https://farsi.khamenei.ir/others-report?id=۶۱۹۴۳> آخرین بازدید در ۱۴۰۴/۹/۱۰.

۳۱ - قادر زاده، امید (۱۴۰۱). مشکله‌ی همبستگی در جامعه‌ی چند قومی ایران: فراترکیب مطالعات موجود. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳ (۱)، ۵-۴۲. ص ۵.

۲- راهکارهای مبتنی بر همبستگی در مقابله با تجاوز خارجی

جامعه‌ی ایرانی با خصوصیت کثرت خود، نیازمند توسل به همبستگی برای بقای تمدن کهن خویش و ادامه حیات می‌باشد؛ این عنصر نمی‌تواند بدون تعیین سازوکارهای اساسی تقویت شود اجرایی سازی آن ممکن نیست. باید عناصر مختلف این همبستگی در کنار یکدیگر قرار گیرند و در مقابل تجاوزات خارجی و البته دشمن فعلی یعنی امریکا و اسرائیل قد علم کنند: موضوعی که به نظر می‌رسد نیازمند بررسی عمیق ساختارهای فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. این همبستگی از طریق چندین سازوکار مهم ایجاد و تقویت خواهد شد:

- **حضور و مشارکت حداکثری مردم:** جامعه‌ی ایرانی متکی به حضور و مشارکت مردم برای تحقق هدف همبستگی است. این حضور عمدتاً در قالب مشارکت‌های خودجوش محقق می‌شود، سازمان یافته نیست که اگر تحت نظر سازمان‌های مردم نهاد محقق شود بسیار موثرتر خواهد بود.
- **مشارکت نهادهای مذهبی و دینی:** ایران و جامعه‌ی مذهبی آن انسجام بخش بیشتر فعالیت‌های مدنی است فلذا بهره‌گیری از این موقعیت می‌تواند بسیار حائز اهمیت بوده و راهگشا باشد.
- **آموزش و بهره‌گیری از رسانه:** فرهنگ و رسانه در جامعه‌ی ایرانی ظرفیت بسیار بالایی برای ایجاد همبستگی دارد که از این ظرفیت غفلت شده است و جا دارد نهادهای متولی این امر با اقدام در این جهت به رشد این مولفه کمک نمایند.
- **معرفی و بازتعریف شخصیت و هویت ملی:** ایران محوری در رشد همبستگی بسیار تاثیرگذار است. این مولفه می‌تواند دارای آثاری مثبت در گسترش همبستگی باشد.
- **تجهیز به امکانات روز دنیا و عدم توقف:** به نظر می‌رسد متعادل‌ترین استراتژی که ایران می‌تواند در قبال تهدیدات خارجی اتخاذ نماید آن است که با اتکا به صبر راهبردی نه تنها در مقابل تاکتیک‌های امریکا متوقف نشده بلکه به توان داخلی در دستیابی به تجهیزات روز دنیا و جلوگیری از فروپاشی اقتصادی خود، افزایش نفوذ منطقه‌ای و ایجاد بازدارندگی معتبر در برابر ایالات متحده دستیافته است. در کنار توجه و ادامه‌ی این استراتژی، روش‌های متفاوتی برای ایجاد افزایش نفوذ و قدرت در برابر استراتژی تقابلی امریکا وجود دارد از جمله آمادگی برای هر نوع سناریوی احتمالی امریکا از طریق تمرکز علمی و آکادمیک بر این حوزه به موازات افزایش هوش ملی برای آمادگی به هر گونه پاسخ ج.ا.ایران به سناریوهای احتمالی امریکا؛^{۳۲}
- **ترویج گفتمان ملی وحدت:** وحدت نیاز به یک محو اساسی دارد: رهبری در سخنان اخیر خود بر این موضوع تاکید کرده و دولت را محور وحدت دانستند. با توجه به اینکه دولت مجری امور است بهترین مقرر برای استقرار همبستگی تلقی شده است تا از موازی کاری و پراکندگی ممانعت شود.
- **اعتماد عمومی گسترش یابد:** اذعان به این موضوع که اعتماد عموم نسبت به حاکمیت، رفتار مقامات و تصمیمات آن‌ها چندان محکم نیست، امری بدیهی می‌باشد به همین لحاظ ضروری است به عنصر اعتماد در موضوع همبستگی پرداخته شود و با ایجاد آن به شکل عمومی، مشارکت بیشتری محقق شود.
- **اجرایی سازی اقتصاد مقاومتی:** دشمن از ضعف اقتصادی بهره برده و به کرار با تحریم‌های اقتصادی، آشوب به جهت مشکلات اقتصادی و ... همبستگی ملی را خدشه دار کرده است، اقتصاد سلاخی است که در دوره‌ای کارآمد است و از هر تهدیدی می‌تواند پیشگیری کند. توسعه صنایع بومی، کاهش وابستگی به نفت و واردات،

۳۲ - ذوالفقاری، مهدی، احمدی نژاد، حمید (۱۴۰۲) استراتژی چهار دهه تقابل امریکا با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه محیط شناسی راهبردی ج.ا.ایران، سال هفتم، شماره ۴، ص ۳۰.

ترویج کسب و کارهای کوچک و متوسط و حمایت از تولید داخلی به افزایش تاب آوری اقتصادی و کاهش نگرانی های مردم و هم مسیر شدن آن ها کمک می کند^{۳۳}.

- پاسداری از همبستگی و تجارب آن : جنگ ۱۲ روزه، نه تنها افسانه قدرت اسرائیل را در هم شکست، بلکه نشان داد که ملت ایران در برابر تهدیدات خارجی، قادر به خلق معجزه های از جنس وحدت است. این همبستگی، سرمایه ای است که می تواند ایران را در برابر چالش های آینده بیمه کند، به شرطی که حاکمیت با هوشمندی و تدبیر از آن پاسداری کند. اکنون زمان آن است که نظام، با درس گرفتن از این تجربه تاریخی، شکاف های باقی مانده را ترمیم کند، به صدای مردم گوش دهد و رسانه ملی را به جایگاهی بازگرداند که شایسته این ملت بزرگ است. اگر این فرصت از دست برود، شاید ترمیم دوباره چنین وحدتی، سال ها زمان ببرد^{۳۴}.

همبستگی مفهومی کلی و راهبردی است، کاربردی در راستای پیشگیری از آسیب های ناشی از تجاوزات خارجی، به نظر نویسنده، پیش بینی آینده هرچند امری است دشوار ولی کارآمدی لازم را هرچند منطبق با واقع باشد نخواهد داشت، اینکه گمانه زنی ها بر وقوع یا عدم وقوع جنگی دیگر بین ایران و اسرائیل یا آمریکا رغم می خورد، صرفا برای مطالب ژورنالیستی می تواند ثمربخش باشد، در هر وضعیتی که در آینده رخ دهد، ایران فی الحال با تهدیدات خارجی از انواع مختلف روبرو است و ناچار به اتخاذ راهبردی متناسب برای این وضعیت است. موقعیتی که در آن می توان از همبستگی و وفاق ملی به عنوان گزینه ای متناسب در برابر هر موقعیتی بهره برد.

منابع و ماخذ

منابع فارسی

- اسلامی، سعید (۱۳۹۵) بحران تصمیم گیری در بحران اتمی کره شمالی (بحران اتمی کره به مثابه یک بازی (فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین المللی، مقاله ۶، دوره ۸، شماره ۲۶، اردیبهشت ۱۳۹۵، صفحه ۱۳۹-۱۷۰.
- خسروی، علیرضا. (۱۳۹۷). رابطه متقابل هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آمریکای دشمن، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۱ (۸۰) صص ۵۵-۷۴.
- ذاکری، علیرضا. (۱۴۰۱). «همبستگی» در ایران معاصر: تاریخ یک مفهوم (از دوره مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷) مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۸ (۶۸).
- ذوالفقاری، مهدی، احمدی نژاد، حمید (۱۴۰۲) استراتژی چهار دهه تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه محیط شناسی راهبردی ج.ا.ایران، سال هفتم، شماره ۴.
- ذوالفقاری، مهدی، احمدی نژاد، حمید (۱۴۰۲) استراتژی چهار دهه تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه محیط شناسی راهبردی ج.ا.ایران، سال هفتم، شماره ۴.
- عباسی خوشکار، امیر. (۱۴۰۲). جنگ ترکیبی دشمن و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیت الله العظمی خامنه ای. مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، ۱ (۲)، ۷۴-۵۵، ۱۰۳۸، ۴۴۳۰۴۰، ۲۰۲۴، irsj.۲۰۲۴، ۱۰، ۲۲۰۳۴/doi.
- غفاری، علی اصغر؛ خداوری، حسن؛ و کشیشان، گارینه (۱۴۰۰) نقش ج.ا.ایران در بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بعد از ۱۱ سپتامبر، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۷ (۵۶).

^{۳۳} - اندیشکده راهبرد تحول خلاق، همبستگی و انسجام ملی؛ رمز پیروزی، قابل مشاهده در: <https://iranthinktanks.com/national->

[solidarity-and-cohesion-the-secret-to-victory/](https://iranthinktanks.com/national-solidarity-and-cohesion-the-secret-to-victory/) آخرین بازدید در ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

^{۳۴} - روزنامه اترک، همبستگی ملی؛ فرصتی تاریخی که نباید از دست برود، قابل مشاهده در: <https://www.atrakdaily.ir/>، آخرین بازدید

در ۱۴۰۴/۹/۱۰.

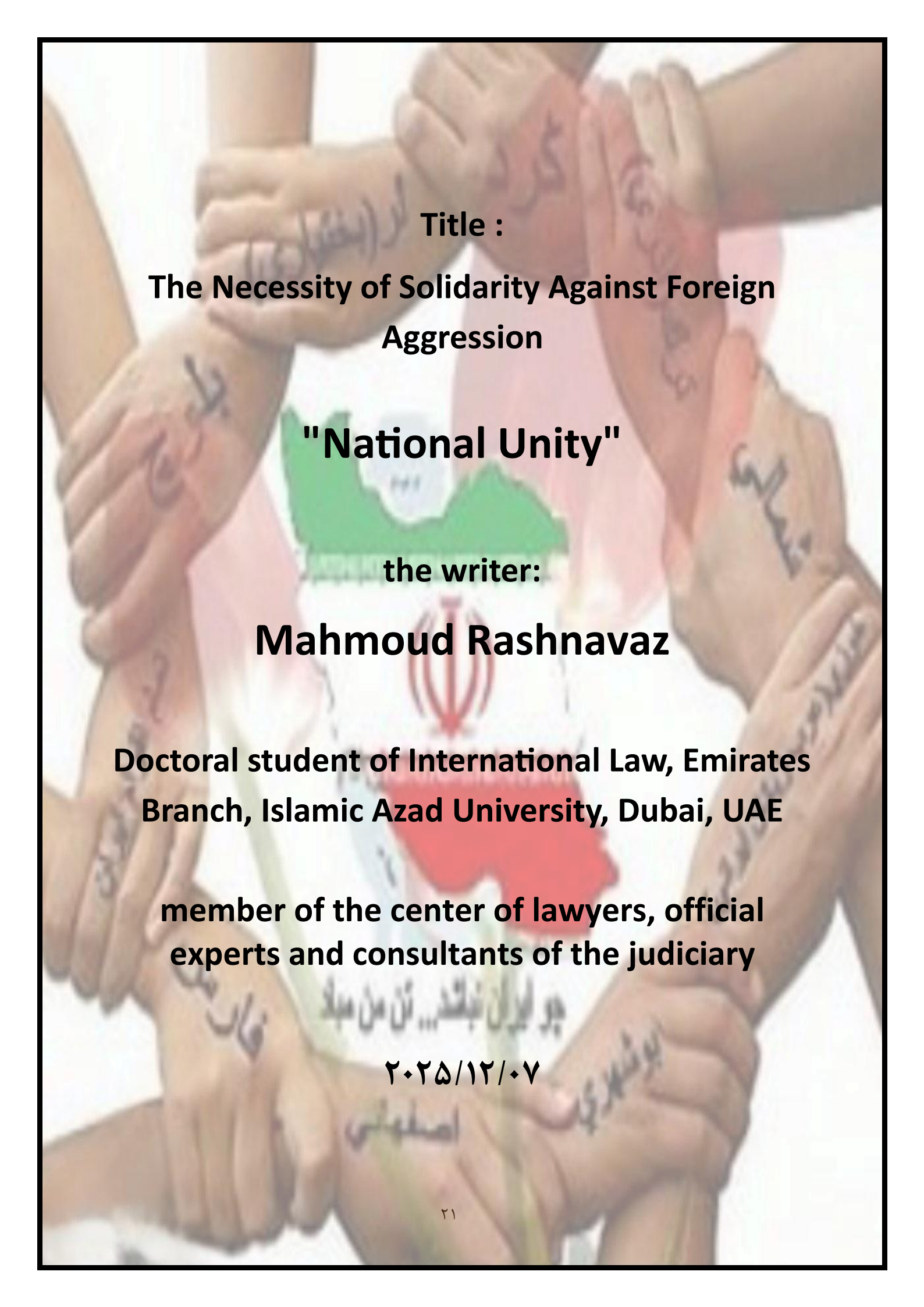
- قادر زاده، امید (۱۴۰۱). مشکله‌ی همبستگی در جامعه‌ی چند قومی ایران: فراترکیب مطالعات موجود. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳ (۱)، ۵-۴۲.
- قادری کنگاوری، روح الله. (۱۴۰۲). جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره؛ از دیپلماسی اجبار تا بازدارندگی اطلاعاتی. مطالعات راهبردی آمریکا، ۲ (۴) ۱۱-۱۴۷، ۱۱۶۴، ASS.۲۳۰۶، ۱۰، ۲۷۸۳۴۷۴۳/doi: ..
- کالینز، الن (۱۴۰۰) مطالعات امنیتی معاصر ترجمه علیرضا ثمودی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸) دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- محمد ینجم، سید حسین (۱۳۹۳) جنگ شناختی :بُعد پنجم جنگ، تهران : مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی . ص ۲۳ - ۲۴.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹)، صحیفه نور مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱۳.

سایت‌های اینترنتی

- امرایی، جبار، خاک می‌خوریم اما خاک نمی‌دهیم: روایت همبستگی ایرانیان، قابل مشاهده در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news> آخرین بازدید در تاریخ ۱۴۰۴/۹/۹
- اندیشکده راهبرد تحول خلاق، همبستگی و انسجام ملی؛ رمز پیروزی، قابل مشاهده در: <https://iranthinktanks.com/national-solidarity-and-cohesion-the-secret-to-victory> آخرین بازدید در ۱۴۰۴/۱۲۹
- بهرامی، سجاد، وحدت و همدلی مردم ایران کلید پیروزی در برابر دشمنان است، قابل مشاهده در <https://www.mashreghnews.ir/news>، آخرین مشاهده در ۱۴۰۴/۷/۱۴
- دانایی، احمد، ضرورت همبستگی و اتحاد در برابر دشمنان خارجی، قابل مشاهده در: <https://aftabzagros.ir>، آخرین بازدید در تاریخ ۱۴۰۳/۸/۳۰
- روزنامه اترک، همبستگی ملی؛ فرصتی تاریخی که نباید از دست برود، قابل مشاهده در: <https://www.atrakdaily.ir>، آخرین بازدید در ۱۴۰۴/۹/۱۰.
- سرمقاله شماره ۱۶۱ روزنامه صدای ایران، منطق «همه با هم باشید» قابل مشاهده در <https://farsi.khamenei.ir/others-report?id=۶۱۹۴۳>، آخرین بازدید در ۱۴۰۴/۹/۱۰.
- سرمقاله شماره ۱۶۱ روزنامه صدای ایران، منطق «همه با هم باشید» قابل مشاهده در <https://farsi.khamenei.ir/others-report?id=۶۱۹۴۳>، آخرین بازدید در ۱۴۰۴/۹/۱۰
- ملک زاده، حمید، همبستگی سیاسی در زمانه تهدید قابل مشاهده در: <https://vatanemrooz.ir/fa/news> . آخرین بازدید: ۱۴۰۴/۹/۱۱
- موسوی تبار، سید امیر حسین، ایران مقاوم: حفظ روحیه همبستگی ملی در مقابل حملات و جنگ روانی دشمن، قابل مشاهده در: <https://rasekhoon.net/article/show/۱۶۵۲۴۷۰>، آخرین تاریخ بازدید در: ۱۴۰۴/۵/۲۸
- نصیری، علی اصغر، تسلیم یا مقاومت در برابر دشمن (امریکا)؛ نتایج و پیامدها، مجله پیام - پاییز ۱۳۹۷ - شماره ۱۳۰، قابل مشاهده در: <https://hawzah.net/fa/Article>، آخرین بازدید در تاریخ ۱۴۰۴/۶/۱۸

منابع خارجی

- Buzan, B. & Little, R. (۲۰۰۰). International Systems in World History: Remaking the Study of International Relations, London: Oxford University Press, p ۳۸۶.
- Crinione, Joseph. (۲۰۰۶). Fool me Twice. Foreign Policy.p
- Cullen, P. J. & Reichborn-Kjennerud, E. (۲۰۱۷). *MCDC Countering Hybrid Warfare Project: Understanding Hybrid Warfare*. A Multinational Capability Development Campaign project, London
- Evans, G.; Newnham, J. (۱۹۹۸). The Penguin dictionary of international relations. New York: Penguin Books. P ۵۶.
- Maher, Nora, (۲۰۲۰),” Balancing deterrence: Iran-Israel relations in a turbulent Middle East”, Review of Economics and Political Science Vol. ۸ No. ۳, ۲۰۲۳ pp. ۲۲۶-۲۴۵ Emerald Publishing Limited e-ISSN: ۲۶۳۱-۳۵۶۱ p- ISSN: ۲۳۵۶-۹۹۸۰ DOI ۱۰.۱۱۰۸/REPS-۰۶-۲۰۱۹-۰۰۸۵.
- Maloney, Suzanne (۲۰۰۱). “America and Iran: From Containment to Coexistence”, Brookings Policy Brief, (۸۷), PP. ۱-۷.



Title :

The Necessity of Solidarity Against Foreign Aggression

"National Unity"

the writer:

Mahmoud Rashnavaz

Doctoral student of International Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE

member of the center of lawyers, official experts and consultants of the judiciary

۲۰۲۵/۱۲/۰۷